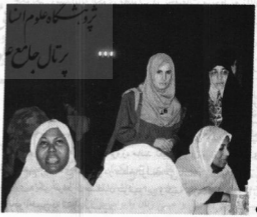


# گفت و گو با «سونیا پوریامین»، کارگردان تلویزیون زن مسلمان ایرانی؛ آن چنان که هست و آن چنان که تصاویر می گویند

به جرأت می توانم بگویم که انقلاب، تأثیر بسزایی در ارتقای هنر ایران داشته است. قبل از انقلاب، هنر به مفهوم امروزش وجود نداشت



● ۲۰ نانا ○ شماران پرزدهم و بیستم

بیروزی انقلاب اسلامی، عرصه و سحنه و مجالی را فراهم آورده است که تمامی قشرهای جامعه - به خصوص زنان - این امکان را داشته باشند که در زمینه فعالیت‌های مختلف اجتماعی، حضوری جدی، تأثیرگذار و بالنده داشته باشند. خانم «سونیا پوریامین» جزو آن دسته از زنان نسل انقلاب به‌شمار می‌رود که با اساس مسئولیت و درک ضرورت مشارکت زنان، ۱۵ سال است که پای در صحنه کار تلویزیونی گذاشته است و رشته‌های مختلف آن را تجربه کرده است. گفت‌وگویی «نداه» با ایشان را می‌خوانید:

ندا: خودتان را معرفی کنید.

□ بسم‌الله الرحمن الرحیم. سونیا پوریامین، فارغ‌التحصیل رشته کارگردانی تلویزیون از دانشکده صدا و سیما هستم. ۳۳ سال دارم و صاحب دو فرزند پسر ۱۰ ساله و ۵ ساله هستم.

ندا: چگونه به کار تلویزیونی وارد شدید؟

□ در سال ۱۳۵۹، با توجه به ضرورت حضور نیروهای انقلابی، به دعوت گروه جوان شبکه اول سیما، مشغول به کار شدم. کار اجرای برنامه نیز در همان سال، به‌عهده این‌جانب گذاشته شد. تا سال ۱۳۶۲ محقق، تهیه‌کننده و مجری بودم ولی به‌دلیل تخصصی بودن رشته‌های تلویزیونی، در این سال با بازگشایی دانشگاه‌ها، در کنگور شرکت کردم و وارد دانشگاه صدا و سیما شدم. به این ترتیب کارم را حرفه‌ای‌تر ادامه دادم. البته در طول سال‌های تحصیل، مسئول برنامه جوانه‌ها در شبکه دوم بودم و بعد از اتمام تحصیل هم، کارگردانی را آغاز کردم؛ یعنی از سال ۶۵ و تا به امروز نیز در این حرفه مشغول به کار هستم.

ندا: تأثیر انقلاب اسلامی در ارتقای هنر را ارزیابی کنید و نقش زنان را در این زمینه توضیح دهید؟

زنان هنرمند در ایران اسلامی به جرأت می‌توانم بگویم که انقلاب، تأثیر بسزایی در ارتقای



**بعد از انقلاب، زیباترین تابلوها کشیده شد، بهترین عکس‌ها گرفته شد، خواندنی‌ترین زمان‌ها و داستان‌ها نوشته شد، تصاویر جان گرفتند و مخاطب، معنا پیدا کرد**

**بعد از انقلاب، شاهد رشد و شکوفایی هنر در تمامی عرصه‌ها بودیم. هنر در کالبد هنرمندان زنده شد، شکل گرفت، معنا یافت و بروز پیدا کرد**

#### ارائه الگوی مناسب زن ایرانی

اصولاً در حال حاضر موفقیت هر زن مرهون تلاش، توانایی و رحمت‌هایی خود اوست. این‌که من به عنوان یک کارگردان زن دارای چه مشکلاتی هستم به مشکلات خودم برمی‌گردد. قطعاً دوست دارم زوئی قیام بسازم؛ چرا که معتقدم هنوز چهره زن مسلمان ایرانی در هیچ زمینه‌ای درست دیده نشده و اگر هم دیده شده، درست به تصویر کشیده نشده است. تصویر زنان ایرانی در سینما و تلویزیون، زنانی متغی، مهجور، دوه‌م‌زن و خشن مطرح شده است و کمتر جایی، نشان از الگوی محوری یک زن را می‌بینم. البته مشکلی که بیشتر مطرح می‌کنند این است که در بسیاری از جاها، چهره زن، غیرواقعی است و به همین دلیل حذف می‌شود. ولی پرسش اساسی این جاست که مگر چهره زن در بیرون از خانه، درست، به جا و اصولی به نمایش گذاشته شده‌است که ما نگران چگونگی حجاب

هنر ایران داشته است. قبل از انقلاب، هنر به مفهوم آموزش وجود نداشت. هنرهای جسمی رو به آوانگارد شدن می‌رفت. ادبیات و شعر، مدرن شده بود و هنر سینما و تئاتر هم به سوی ابتذال می‌رفت و از این آشفته بازار، چیزی نصیب مردم نمی‌شد. هنر، خاص روشنفکران بود؛ اما بعد از انقلاب، ما شاهد رشد و شکوفایی هنر در تمامی عرصه‌ها بودیم. هنر در کالبد هنرمندان زنده شد، شکل گرفت، معنا یافت و بروز پیدا کرد. زیباترین تابلوها کشیده شد، بهترین عکس‌ها گرفته شد، خواندنی‌ترین زمان‌ها و داستان‌ها نوشته شد، تصاویر جان گرفتند و مخاطب، معنا پیدا کرد. محیط سالم شد و هر آنکس که در خود، توانایی بروز خلاقیت و هنر را یافت بسم‌الله گفت و به میدان آمد.

اما در مورد بخش دوم پرسش شما. اتفاقاً، ما چه روزگاری از ایران را می‌توانیم به یاد بیاوریم که در وادی هنر، زن تا به این اندازه نقش داشته باشد؟ ما در قبل از انقلاب، چند کارگردان زن داشتیم؟ و اگر هم داشتیم چه چیزی را می‌خواستند به تصویر بکشند؟ اما امروز زیباترین فکرها و تصاویر از ذهن زنان تبدیل به قیلم می‌شود و این مرهون انقلاب است. انقلاب، شجاعت و جسارت را در زنان هنرمند دوچندان کرد و تفکرات آن‌ها را به باور نشاناند. زنان امروز در ایران اسلامی، در تمامی رشته‌های هنری فعال هستند و با اعتماد به نفس به کارشان ادامه می‌دهند.

**نقد، توفیق زن هنرمند و مسلمان امروز را در چه می‌بینید؟**

تصویر زنان ایرانی در سینما و تلویزیون، زانی متفعل، مهجور،  
دوبه‌هم زن و خنثی مطرح شده است و کمتر جایی، نشان از  
الگوی محجوری یکنه زن می‌بینیم

ندا: کارگردان کیست و زنان و دختران علاقه‌مند این رشته، چه راهی را باید  
طی کنند؟

### کارگردانی؛ شغلی تا آخر عمر تلاش

من به دختران جوان می‌توانم بگویم که کارگردانی، مدیریت و  
رهبری است. کارگردان، شخصی است که به‌جای همه می‌بیند و همه  
را به سمت هدف فیلم راهنمایی می‌کند. اوست که بازی بازیگران،  
نمای فیلمبردار، نوع صدا و نور و ارتباط همه با هم را مشخص  
می‌کند. اوست که انسجام فیلمنامه را حفظ می‌کند. کارگردان،  
مسئولیت این همه زحمت، این همه تلاش، و این همه هزینه را بر  
دوش می‌کشد تا فیلم، ساخته شود و به نمایش درآید. اگر مورد  
قبول بود نفس راحتی می‌کشد؛ در غیر این صورت، خستگی به تنش  
می‌ماند و دوباره از اول شروع می‌کند. پس این حرفه، حرفه‌ای است  
با فراز و نشیب فراوان، پرمسئولیت و کارگردان باید مدیر و مدبر،  
خوش‌فکرم، مبتکر، و مطلع به اصول و تکنیک کارگردانی باشد. اگر  
دختر جوانی از هم‌اکنون، پرمسئولیت و از این خصوصیت‌ها را در خود جمع  
می‌بیند می‌تواند با تکمیل و دارا شدن سایر شرایط، به دنبال دانش  
کارگردانی در دانشکده‌های سینمایی برود. اما باید بداند که ممکن  
است بارها و بارها زمین بخورد. بارها غرورش جریحه‌دار شود،  
بارها پشیمان شود، بارها جسارت و توانش را از دست بدهد. اما باز  
هم باید بایستد و ادامه دهد. کارگردانی، شغلی است تا آخر عمر  
تلاش و تلاش و تلاش.

ندا: کارگردانان ما، برای ارتقای حرفه خود و هنر سینما، چه باید بکنند؟

پرسش ساده‌ای نیست؛ چرا که اگر بخواهم به آن پاسخ دهم  
شعاری بیش نخواهد بود. اگر عمری باقی ماند و توانستم فیلمی  
بسازم به این پرسش پاسخ خواهم داد. چرا که کارگردانان خوب  
سینمایی ایران تلاش فراوان می‌کنند که به این اهداف برسند اما  
انصافاً سخت است. هر حرفی زدن، دستی از دور بر آتش داشتن  
است. زیرا، ساختن یک فیلم، مصیبت‌های فراوانی دارد که در کوران  
راه تمام توان و همت آدم را می‌گیرد. شاید فیلم به پایان رسیده، تمام  
خواسته‌های کارگردان نباشد اما او تن به تسلیم می‌دهد. به هر حال  
امیدواریم روزی تعدادی کارگردانان زن و مرد مسلمان بیشتر از  
این شود.

او در خانه و در کنار شوهر و فرزندان‌ش باشیم؟ آیا در جامعه بیرون  
از خانه، الگوی مناسبی از یک زن مسلمان ارائه شده است؟ البته  
نمونه‌های انگشت‌شماری وجود دارد ولی الگوهای مناسبی در  
دست نیست. یعنی واقعاً ما چنین الگوهایی نداریم؟

امیدوارم روزی بتوانم فیلم بسازم. اما اگر تا به‌حال نتوانسته‌ام  
چنین کاری کنم به این دلیل است که صاحب دو فرزندم و آن‌ها در  
این شرایط، به من نیازمندند. نمی‌توانم ماه‌ها آن‌ها را رها کنم و  
به دنبال کار و حرفه خود بروم. به هر حال در هر مرحله‌ای از زندگی،  
باید دست به انتخاب زد. در حال حاضر، فعالیت‌های اجتماعی‌ام  
بعد از برنامه‌ریزی داخلی زندگی‌ام می‌باشد. البته، به‌عنوان یک  
کارگردان زن مشکلی در محل کار ندارم بلکه تعدیل در امور زندگی،  
باعث می‌شود که امور کاریم اهم و فی‌الاهم شود.

ندا: تاکنون، چه موفقیت‌هایی در زمینه کار حرفه‌ای خویش به‌دست  
آورده‌اید؟

هنوز موفقیتی در زمینه کار حرفه‌ای‌ام به‌دست نیاورده‌ام.  
ان‌شاءالله زمانی که برنامه‌های بهتری در تلویزیون و سینما ساختم  
به این پرسش شما پاسخ خواهم داد. اما پیشرفت نسبی امروزم را،  
مروهون همدلی و همفکری شوهرم هستم. بارها، خودم شوهر شده  
شده‌ام، اما به رویم نیاورده است. او باور دارد که اگر ضروری هم سر  
می‌زند ناخواسته است. او به فداکاری زنان امروز ایران اسلامی  
ایمان دارد و متوجه تلاش مضاعف من جهت حفظ حیثیت خانواده  
و در کنار آن یک زن متخصص، که جامعه به او نیازمند است  
می‌باشد.

ندا: از کارگردانی، چه تعریفی دارید؟

### خلق اثری ارزنده، مستلزم دانش کارگردانی

اصولاً، کارگردانی یکی از حساس‌ترین، ظریف‌ترین و  
سخت‌ترین مشاغل هر زمانه است. کارگردان، فردی آگاه است که با  
دیدنی بازر به جهان و پیرامون خود نگاه می‌کند. او باید قدرت  
حلاجی مشکلات زمانه خود را داشته باشد. او باید درشناس  
باشد. اندیشه بلند او، باعث خلق اثری به‌یادماندنی خواهد شد. یک  
اثر ارزنده، قلب‌ها را می‌ارزاند و چنان نفوذ می‌کند که همیشه در  
خاطر بماند. کارگردان باید به حرفی که می‌زند اعتقاد داشته باشد و  
مدافع آن باشد. خلق یک اثر ارزنده، به دانش کارگردانی نیازمند  
است؛ در غیر این صورت همه می‌توانند با در دست داشتن ابزار کار،  
کارگردانی کنند.